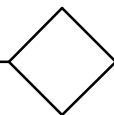




نقد و بررسی مثنوی نظم السلسله سید احمد وصلی سمرقندی

ابراهیم خدایار

استادیار دانشگاه تربیت مدرس



چکیده:

سرگذشت ماوراءالنهر در سالیان بعد از ورود اسلام به منطقه فرارود در قرن نخست هجری قمری، با اسلام و طریقت‌های برآمده از تعالیم اسلامی، پیوندی سخت ناگسستنی دارد. در این میان، تعالیم خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۸-۷۹۱ ق/ ۱۳۱۸-۱۳۸۹ م) و طریقت منسوب بدو "نقشبندیه" آن گونه در جان و دل اقوام و طبقات مختلف ساکن در آن، نفوذ پیدا کرده بود که مردم او را تا حد خداوند می پرستیدند.

پیش از آن که در روزگار نیست انگاری دینی و فرهنگی دوران شوراهای (۱۹۱۷-۱۹۹۱ م)، مبارزه با میراث عرفانی این منطقه شروع شود، حرمت و تقدس این طریقت از سوی نویسندگان و شاعران تجددگرا و روشنفکر منطقه که بعدها، غالب آن‌ها به حزب کمونیست پیوستند و به تبلیغ مرام آن پرداختند، به شدت به دیده تردید و تشکیک نگریسته شد؛ اما احترام عمیقی که شاعر، عالم و روشنفکر بزرگ سمرقندی، سید احمد وصلی (۱۸۷۰-۱۹۲۵ م) در مثنوی «نظم السلسله» نسبت به خواجه بهاءالدین نقشبند و به ویژه پیر طریقت خود، ایشان ولی‌خان اورگوتی، آشکار کرده است، از روشنفکری و روشن بینی واقعی این شخصیت حکایت می‌کند.

در این مقاله، برای نخستین بار مثنوی نظم السلسله - که آخرین اثر از نوع نسب‌نامه‌های معنوی درباره اقطاب و اولیای عرفانی در ماوراءالنهر به شمار می‌رود - پس از یک مقدمه در شرح حال مؤلف، ذیل دو عنوان کلی صورت و محتوا، نقد و بررسی شده و سلسله ایشان ولی‌خان اورگوتی تا پیامبر گرامی (ص) با نمودار نشان داده شده است. این مقاله به دلیل استفاده از نسخ خطی، منابع چاپ سنگی و چاپی نادر به زبان‌های فارسی، تاجیکی و ازبکی، در شناساندن سلسله یکی از بزرگان طریقت نقشبندیه در آسیای مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

کلید واژه‌ها:

سلوک عارفانه، نقشبندیه، ادبیات قرن بیست تاجیک، وصلی سمرقندی، نظم السلسله، حکومت.

۱. درآمد

وقتی سید احمد وصلی در سال ۱۲۸۷ق/۱۸۷۰م در یکی از محلات شهر سمرقند و در خانواده‌ی یکی از سادات شهر، به دنیا آمد؛ دو سال از اشغال این شهر به دست ارتش روسیه‌ی تزاری می‌گذشت. این حادثه یکی از بزرگ‌ترین حوادث تاریخ ماوراءالنهر در درازنای تاریخ آن به شمار می‌رود؛ واقعه‌ای که مسببان آن بیش از هر چیز، پس از اضمحلال استقلال سیاسی منطقه، با هدف نابودی استقلال فرهنگی و مذهبی آن، از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

ارتش تزار در سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م امیر مظفر(حک. ۱۲۷۷ - ۱۳۰۳ ق/ ۱۸۶۰-۱۸۸۶ م)، هشتمین امیر از سلسله‌ی امیران منغیت بخارا را به سختی شکست داد(سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۵۵۴). از این تاریخ تا سال ۱۹۱۷م که انقلاب اکتبر روسیه به وقوع پیوست، سمرقند در قالب فرمانداری نظامی ترکستان به مرکزیت تاشکند - که در آوریل سال ۱۹۱۸م به ترکستان روس تغییر نام داد - اداره می‌شد(ر.ک: دایره‌المعارف جمهوری ازبکستان، ص ۱۶۱). با این حال، رابطه‌ی عالمان و شاعران و عموم مردم این منطقه تا زمان فرار آخرین خان بخارا در سال ۱۹۲۰م و تشکیل جمهوری شوروی خلق بخارا، با مدارس بخارا و دیگر محیط‌های ادبی منطقه‌ی ماوراءالنهر کم و بیش برقرار بود؛ تا این که در سال ۱۹۲۴م و مرزبندی‌های جدید سیاسی، جغرافیای جدیدی در منطقه حاکم شد و پنج جمهوری شورایی ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان(تا سال ۱۹۲۹م به شکل جمهوری خودمختار در محدوده‌ی ازبکستان) ترکمنستان و قرقیزستان بر ویرانه‌های سه خان‌نشین بخارا، خوقند و خوارزم تأسیس شدند. از این تاریخ تا سال ۱۹۹۱م که بار دیگر منطقه استقلال خود را بازیافت؛ هرچند هویت بومی منطقه به شدت آسیب دید، به دلیل ریشه دار بودن سنت‌های ملی و اسلامی در میان اعماق جان و دل مردم، هرگز از بین نرفت و با وزش اندک نسیم آزادی در سال ۱۹۸۵م که با اعلام پرسترویکا و گلاسنوست در اتحاد شوروی سابق شروع شده بود،

بازگشت به آیین‌های ملی و اسلامی در بین مردم شروع شد (ر.ک: خراسان است اینجا، ص ۲۷۸).

آنچه در ادامه مقاله درباره زندگی سید احمد وصلی سمرقندی و یکی از آثار مهم وی به نام *نظم السلسله* خواهد آمد؛ بازخوانی سرگذشت مردمانی است که به رغم همه نامردمی‌ها و نامرادی‌های روزگار، به سنت‌های اسلامی و بومی خود وفادار ماندند و در راه انتقال آن به نسل‌های بعدی، تمام سختی‌ها را به جان خریدند.

۲. نگاهی کوتاه به زندگی و آثار وصلی

سید احمد وصلی شاعر، مترجم، نویسنده، مدرس و روشنفکر تاجیک در سال ۱۲۸۷/۱۸۷۰م در خانواده استاد میرمحمد عظیم آهنگر [استا اعظم چرمگر؟] در محله قوش حوض سمرقند به دنیا آمد و پس از ۵۵ سال تحصیل، تدریس، تلاش پی‌گیر علمی و ادبی و فعالیت در جریان‌های معارف پروری ماوراءالنهر، درست یک سال پس از مرزبندی‌های جدید منطقه و تشکیل جمهوری شوروی ازبکستان به پایتختی سمرقند (۱۹۲۴م)، در سال ۱۹۲۵م در همین شهر دیده از جهان فرو بست. (ر.ک: تذکره الشعراء، ص ۱۱۰b؛ ارمغان دوستان، ۱۱؛ افضل‌التذکار، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ نمونه ادبیات تاجیک، ص ۵۰۷-۵۰۹؛ سخنوران صیقل روی زمین، ص ۲۲۷-۲۲۹؛ تذکره الشعراء محترم، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ دایره المعارف جمهوری ازبکستان، ج ۵۸۸/۱؛ گلشن ادب، ص ۴۱۷-۴۲۳؛ دایره‌المعارف ادبیات و صنعت تاجیک، ج ۳۲۰/۱-۳۲۱؛ گنج زرافشان، ج ۱۰۴-۱۰۶؛ فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، ج ۲۲۱/۱؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای میانه، ج ۹۶۲/۱؛ تذکار اشعار، ج ۲۷۲-۲۷۳؛ یاد یار مهربان، ج ۷۳۵؛ نظم السلسله ازبکی، ج ۱۰۵-۱۱۹؛ ازساقه تا صدر، ج ۱۵۱-۱۵۳).

وصلی، تحصیلات معمول روزگار را در شهرهای سمرقند، تاشکند و بخارا به اتمام رساند و پس از ختم کتب که در ماوراءالنهر آن دوران به نوزده سال زمان

نیاز داشت (ر.ک: یادداشت‌ها، ص ۱۶۳-۱۶۵)، به تدریس در مدارس شهر بخارا مشغول شد (ر.ک: افضل التذکار، ص ۱۴۸-۱۴۹). انتصاب وی به سمت مدرسی مدرسه سید کمال در بخارا در قطعه تاریخی که امیر عبدالاحد (حک. ۱۳۰۳-۱۳۲۸ق/۱۸۸۶-۱۹۱۰م) به این مناسبت سروده، و در دیوان وصلی دیده می‌شود؛ با سال ۱۳۲۶ق/۱۹۰۷م برابر است:

ز التفات شه، نصیب من بشد	منصب تدریسی سید کمال...
از پی تاریخ این تدریسی‌ام	زد رقم کلک شه شیرین مقام
کوز روی قرب «احمد وصلیا	خیر باد، آسوده کردی از کمال»

در قطعه ماده تاریخ یاد شده، از عبارات «احمد وصلیا، خیر باد، آسوده کردی از کمال»، به حساب ابجد عدد ۱۴۱۶ به دست می‌آید. حال اگر با توجه به مضمون بیت آخر، رقم «کمال» را [نود] از عدد به دست آمده کم کنیم؛ عدد ۱۳۲۶ق به دست می‌آید که به حقیقت بسیار نزدیک است. در هر صورت این سال با ۳۷ سالگی وصلی برابر است و تقریباً ده، دوازده سال از ختم کتب وی سپری شده است. وی در این سال‌ها آن گونه که از تذکره/افضل برمی‌آید، در بین بخارا و سمرقند در تردد بوده و دو کتاب از کتاب‌های خود را در سال ۱۹۰۴م در سمرقند به چاپ رسانده است. (ر.ک: افضل التذکار، ص ۱۴۸-۱۴۹) وصلی در سال‌های بعد؛ یعنی همزمان با بیداری مسلمانان ماوراءالنهر و ظاهراً پس از مرگ امیر عبدالاحد در سال ۱۹۱۰م برای همیشه به سمرقند بازگشت و تا پایان عمر در مدارس «عارف‌بای جان» (دایره‌المعارف جمهوری ازبکستان، ج ۵۸۸/۱) و «شاه‌زنده و عارف جان‌بای» (دایره‌المعارف ادبیات و صنعت تاجیک، ج ۳۲۰/۱-۳۲۱) شهر سمرقند به تدریس پرداخت.

دهه نخست قرن بیست در ماوراءالنهر، آغاز بیداری مسلمانان و روشنفکران این منطقه به شمار می‌رود. این جریان که از یک سو ریشه در افکار معارف پروری احمد مخدوم دانش (۱۸۲۷-۱۸۹۷ م) داشت (ر.ک: صدر ضیاء، ص ۳۰؛

تاریخ انقلاب فکری در بخارا، ص ۲۰)، و از سوی دیگر به شدت از تعلیمات پدرجریان روشنفکری ترکان امپراتوری روسیه، اسماعیل غصبرینسکی (ف ۱۹۱۴م)، متأثر بود؛ با شکست ارتش روسیه از ژاپن و وقوع انقلاب اول روسیه در سال ۱۹۰۵م، انقلاب مشروطه در ایران در سال ۱۹۰۶م، و انقلاب مشروطه در ترکیه در سال ۱۹۰۸م وارد مرحله جدیدی شد و تا سال ۱۹۱۷م که انقلاب اکتبر در روسیه به وقوع پیوست و تمام میراث این انقلاب را به نفع حزب کمونیست مصادره کرد؛ بسیاری از عالمان، شاعران و روشنفکران منطقه را به سوی خود جذب کرد (ر.ک: تاریخ انقلاب فکری در بخارا، ص ۱۸ و ۲۴).

این جریان در سال‌های نخست قرن بیست، تنها یک جنبش اجتماعی بود و قصد داشت از طریق تغییر نظام سنتی آموزش و پرورش، وارد کردن علوم و فنون روز در آن، تأسیس مؤسسات جدید و مدرن و تولید ثروت، رفاه قابل قبولی در جامعه ایجاد کند (ر.ک: از سمرقند چوقند، ص ۳۰)؛ اما در سال‌های پایانی به یک حزب سیاسی تمام عیار تبدیل شد و پس از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، اغلب فعالان آن به امید دستیابی به اهداف خود به دامن کمونیست خزیدند. در این میان، سید احمد و صلی سمرقندی به رغم مشارکت فعال در این جریان و تألیف ده‌ها رساله علمی و تعلیمی برای مدارس نو و سرودن اشعار ملی و معارف‌پروری در جهت بیداری هم‌وطنان و هم‌کیشان خود که در دیوان‌های فارسی و ترکی او موجود است و در روزنامه‌ها و مجلات آن روزگار سمرقند و تاشکند نیز به چشم می‌خورد (ر.ک: روزنامه ترقی، ص ۵؛ ارمغان دوستان، ص ۱۶۶ و ۱۹۴ و ..)؛ تا پایان عمر به اسلام و اعتقادات دینی پشت نکرد و به آرمان مذهبی خود وفادار ماند. از این جهت، و صلی از نوادر روشنفکران ماوراءالنهر در نیمه نخست قرن بیست به شمار می‌رود. و صلی در ۳۴ سالگی؛ یعنی در سال ۱۹۰۴م با چاپ رساله‌های *اصول الاحکام و اساس الاسلام* رسماً به جرگه مؤلفان پیوست و تا سال ۱۹۲۵م علاوه بر چاپ دو دیوان فارسی (۱۹۰۹م) و ترکی (۱۹۱۲م)

و چند رساله کوتاه منظوم شعری، نزدیک به ۲۰-۲۵ رساله تعلیمی، دینی و اعتقادی به زبان‌های فارسی، ازبکی و عربی تألیف و یا ترجمه کرد و اغلب آن‌ها را به چاپ رساند. تقریباً هفده رساله از آن‌ها در مخزن نسخه‌های چاپی نادر ابوریحان بیرونی تاشکند، در ازبکستان نگهداری می‌شود. از آنجا که تاکنون در هیچ منبعی نام بسیاری از این رساله‌ها ثبت نشده است و بسیاری از مؤلفان، این رساله‌ها را از آثار مفقود شده مؤلف می‌دادند (دایره‌المعارف جمهوری ازبکستان، ج ۵۸۸/۱؛ دایره‌المعارف ادبیات و صنعت تاجیک، ج ۳۲۰/۱؛ دانشنامه‌ادب فارسی در آسیای میانه، ج ۹۶۲/۱؛ نظم السلسله ازبکی، ج ۱۰۵)؛ ذیلاً به ذکر نام آن‌ها به ترتیب سال چاپ اشاره می‌کنیم:

۱. اصل الاحکام، سمرقند، ۱۹۰۴م، فارسی؛
۲. اساس الاسلام، سمرقند، ۱۹۰۴م، فارسی؛
۳. ارمغان دوستان (دیوان فارسی)، سمرقند، ۱۹۰۹م؛
۴. فواید المبسوطه فی حل عقاید غیر المنقوطة، سمرقند، ۱۹۰۹م، عربی؛
۵. ادب‌الدین، تاشکند، جزء اول، در مجموعه ملکی شعرلر [اشعار ملکی]، ۱۹۱۰م، ترکی؛
۶. ادب‌الدین، تاشکند، جزء دوم، در مجموعه ملکی شعرلر [اشعار ملکی]، ۱۹۱۱م، ترکی؛
۷. کافیه ابن‌الحاجب مع شرح جدید مسمی به نفع الطالب، و عوامل مع التریب، و معزی مع امثله واعلال، تاشکند، ۱۹۱۲م، عربی؛
۸. نظم السلسله مع شرح رباعیات جامی، تاشکند، ۱۹۱۳م، فارسی؛
۹. تحفه الاحباب (دیوان ترکی)، تاشکند، ۱۹۱۳م؛ (ادب‌الدین وصلی به طور کامل در این دیوان چاپ شده است).
۱۰. الکلام الافخم فی مناقب الامام‌الاعظم [ترجمه از عربی]، تاشکند، ۱۹۱۴م، ازبکی؛
۱۱. باقمق کیراک [ترجمه ازبکی «می‌باید دید» اثر محمدحسین حنفی طالب‌پوری]، تاشکند، ۱۹۱۳م، ازبکی؛

۱۲. عبادات اسلامیة [ترجمه فارسی از تاتاری، تألیف احمد هادی مقصودی]، قازان، ۱۹۱۳م؛

۱۳. مدنیت و وظائف مع شریعت اسلامیة و ترقیات مدنیة، تاشکند، ۱۹۱۵م، فارسی؛
۱۴. مقدمه النحو و الصرف مع نمونه صرف فارسی و نحو فارسی، سمرقند؛ ۱۹۱۸م،
(عربی، فارسی)؛

۱۵. حجاب الواجب (منظوم)، بی جا، بی تا، فارسی.

صدر ضیاء (۱۸۶۷-۱۹۳۲م) در پیوستی که به سال ۱۳۴۲ق/ ۲۴-۱۹۲۳م به تذکره الشعراء محترم (مؤلف به سال ۱۹۰۸م) اضافه کرد، در شرح حال و صلی سمرقندی به ذکر نام سه کتاب از تألیفات بی شمار او بسنده کرده است که نام کتاب های اصول جدید فارسی و زجر مغرور در هیچ منبع دیگر تکرار نشده است (ر.ک: تذکره الشعراء محترم، ص ۳۵۱؛ تذکار اشعار، ص ۲۷۲). عینی در نمونه ادبیات تاجیک از قصد و صلی برای ترتیب دیوان دوم خبر داده بود که در منابع بعدی از آن به دیوان آخر (او آخر) عمر یاد شده است. با مرگ و صلی ظاهراً این دیوان از بین رفته است (ر.ک: نمونه ادبیات تاجیک، ص ۵۰۹؛ دایره المعارف جمهوری ازبکستان، ج ۱/ ۵۸۸).

۳. نظم السلسله و صلی

۱-۳. پیشینه تحقیقات

درباره این اثر و صلی تا سال ۲۰۰۱م هیچ اطلاعاتی در دست نبود. از هفت تذکره مهم تألیف شده در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست در بخارا، فقط در تذکره الشعراء حشمت (تألیف سال ۱۹۰۴م؟) اثر میر محمد صدیق حشمت (فوت پس از ۱۳۴۱ق) و افضل التذکار فی ذکر الشعراء و الاشعار (= تذکره افضل) (تألیف به سال ۱۹۰۳/ ۱۹۰۴م) اثر افضل مخدوم پیرمستی (ف ۱۹۱۵م) و پیوست تذکره الشعراء محترم، تألیف صدر ضیاء (مؤلف به سال ۲۴-۱۹۲۳م)؛ درباره

ویژگی‌های معنوی و روحی وصلی مطالبی دیده می‌شد. از جمله صدر ضیاء در باره وی، القاب عمده/المحققین و زبده/المدققین را به کار برده و نوشته است: «در مراعات شرع، بادیانت و در اسوار دین، باصیانت...» (تذکره الشعراء محترم، ص ۳۵۰).

مؤلفان دوران شوروی که با کتاب نمونه/ادبیات تاجیک، تألیف عینی (مؤلف به سال ۱۹۲۵م) شروع می‌شود، به عمد از توضیح در باره شخصیت عرفانی وصلی چشم‌پوشی کرده‌اند. حتی بسیاری از این مؤلفان، با بزرگ‌نمایی خاص و با هدف نشان دادن تمایل وی به حزب حاکم، طرفداری وصلی را از اصول تعلیم نو و درگیری با ملایان متعصب بخارا، و در نهایت، بازگشت او را از بخارا به سمرقند، متذکر شده‌اند (ر.ک: دایره‌المعارف جمهوری ازبکستان، ج ۵۸۸/۱؛ دایره‌المعارف ادبیات و صنعت تاجیک، ج ۳۲۰/۱). مؤلف تذکره «گنج زرافشان» در پانوشت صفحه ۱۰۶ در باره علت حذف سه غزل از غزل‌های انتخابی خود از وصلی می‌نویسد: «سه غزل دیگر شاعر بود که مضمون تصوفی داشتند، گرفته نشد.» (گنج زرافشان، ص ۱۰۶) این چهره از شخصیت وصلی در اندک منابع چاپ شده در ایران نیز عیناً تکرار شده است (ر.ک: دانشنامه‌ادب فارسی در آسیای میانه، ۹۶۲/۱؛ ازساقه تا صدر، ص ۱۵۱-۱۵۳).

در هیچ یک از منابع یاد شده در دوران قبل از انقلاب ۱۹۱۷م و دوران شوروی (۱۹۱۷-۱۹۹۱م) نامی از نظم/السلسله وصلی نیامده است. در سال ۲۰۰۱م بدیعه محیی‌الدین اوا از نوادگان ایشان ولی‌خان اورگوتی (ف ۱۹۱۵م) که وصلی کتاب نظم/السلسله را در ذکر نام او و نسب‌نامه معنوی وی تا پیامبر اکرم (ص) به نظم کشیده است، با ترجمه منتشر ازبکی به همراه برگردان اصل کتاب از خط فارسی به سریلیک تدوین کرد. این کتاب ۱۲۰ صفحه است و در قطع رقعی با مؤخره‌ای در شرح حال مؤلف و معرفی نظم/السلسله (ص ۱۰۰-۱۲۰) در شهر تاشکند و در انتشارات «ینگی عصر اولاد» به چاپ رسیده است.

۲-۳. نقد صورت

۱-۲-۳. معرف اجمالی نظم السلسله و ساختار صوری کتاب
نظم السلسله یک اثر عرفانی است که وصلی در آن به بیان نسب‌نامه معنوی پیر
خویش، ایشان ولی خان اورگوتی (ف ۱۹۱۵م) پرداخته است. خوشبختانه به دلیل
قطعه تاریخی سه بیتی که مؤلف در پایان کتاب آورده است، تاریخ دقیق تألیف
کتاب در سال ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۲م دیده می‌شود:

یافت این منظومه تا فیض ختام	در بیان حال پیران عظام
بود تألیف چنین نظم لطیف	اندرون هفته ماه شریف
بهر تاریخش خرد شد، یک دله	گفت: «عالی جاده، نظم السلسله»

(نظم السلسله، ص ۴۳)

ملا میر سرور اورگوتی نیز در قطعه تاریخی هشت بیتی، تاریخ چاپ کتاب در
سال ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۳م را مشخص کرده است (ر.ک: همان، ص ۴۳-۴۴). این
کتاب به همراه اثر دیگر وصلی؛ یعنی شرح رباعیات جامی در سال ۱۳۳۱ق/
۱۹۱۳م در یک مجلد در شهر تاشکند در چاپخانه غلامحسن عارف جان اف به
طریقه سنگی چاپ شده است. تعداد صفحات این مجلد، ۱۰۸ صفحه است که
نظم السلسله در صفحات ۲-۴۴ قرار دارد.

نظم السلسله در زمره کتاب‌های نسب‌نامه‌ای است که در قالب مثنوی و بر
وزن رمل مسدس مقصور یا محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن یا فاعلن) سروده
شده و آن گونه که مؤلف در سبب تألیف کتاب آورده است، به سبب جاودانه
ساختن نام پیر خویش و پیران او تا پیامبر اکرم (ص) بوده است:

یک شبی بودم به صدجوش و خروش	در دلم، شوق محبت کرد جوش
سینه‌ام شد مسکن فیض و سرور	از درونم کلفت و اندوه، دور
می‌نمودم فکرهای شایگان	ریخت مهر خواجگانم در نهان
نسبت پیرم به خاطر می‌رسید	ربط نسبت با دلم شد تا شدید
یادم آمد جمله پیران طریق	گشتم اندر بحر اندیشه غریق
نسبت پیرم مسلسل می‌نمود	ز ابتدا تا انتها، بل می‌نمود

خواستم تا نظم سازم سلسله حاصلم گردد، ثواب چل چله
تحفه پیر بزرگ خود کنم باعث آجر سترگ خود کنم
تا به عزم نظم، جزم رو بداد عقل نظم/السلسله نامش نهاد

(نظم السلسله، ص ۴)

وصلی در این اثر، نسب‌نامه معنوی این شاخه از طریقت عرفانی نقشبندیه را در ماوراءالنهر که از پیامبر اکرم(ص) تا ایشان ولی‌خان اورگوتی و با ۳۳ واسطه ادامه داشته و از او به فرزندش محیی‌الدین‌خان منتقل شده است، بیان می‌کند. کتاب از ۴۳ بخش تشکیل شده و هر بخش با سرلوحه جداگانه فارسی، آن قسمت را معرفی می‌کند. بخش نخست کتاب در حمد خداوند است و سرلوحه ندارد؛ اما تمام بخش‌های بعدی سرلوحه دارند. بخش پنجم که «در بیان اصل نسبت قلبیه» است و چهارده بیت فارسی دارد، مقدمه‌ای عربی در بیان اهمیت ذکر قلبی و ذکر خفی با استناد به روایتی از پیامبر اکرم(ص) دارد. (ص ۵-۶) بخش ششم تماماً عربی است و مؤلف به بیان سلسله نسبت باطنیه پیر خود پرداخته است. این بخش شعر فارسی ندارد. (ص ۶-۹)

وصلی در بخش‌های بعدی به ذکر نام سلسله ایشان ولی‌خان اورگوتی پرداخته است. کوتاه‌ترین بخش‌ها چهار بیت و مربوط به انتقال نسبت از صدیق اعظم(رض) به سلمان فارسی(ص ۱۰) و طولانی‌ترین بخش‌ها، مربوط به قطب زمان، حضرت ایشان[ولی‌خان] با ۲۳ بیت است. (ص ۳۳-۳۴) در صفحات ۳۵-۳۸ کتاب قصیده‌ای در مدح حضرت ایشان با ۴۶ بیت به چشم می‌خورد که عیناً با یکی دو مورد اختلاف در دیوان شاعر به نام ارمغان دوستان که در سال ۱۹۰۹ در سمرقند به چاپ رسیده است، دیده می‌شود(ر.ک: ارمغان دوستان، ص ۱۶۳-۱۶۵). نظم السلسله بدون احتساب این قصیده مدحیه و هشت بیت تاریخ طبع ملامیر سرور اورگوتی، جمعاً ۴۱۹ بیت است. ذیلاً ساختار صوری بخش‌های کتاب آورده می‌شود:

◀ ساختار صوری بخش‌های کتاب نظم السلسله

ردیف	موضوع	تعداد آیات
۱	[حمد خداوند]	۱۲ بیت
۲	فی نعت النبی علیه السلام	۹ بیت
۳	سبب تألیف	۹ بیت
۴	مناجات به درگاه قاضی الحاجات	۲ بیت
۵	در بیان اصل نسبت قلبیه [اهمیت ذکر قلبی و ذکر خفی با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در مورد خلیفه دوم که فرمود: «ما فَضَّلَکُم ابوبکر بکثره صَوْم و لاصْلوه بَل بَشِیء و قرنی قلبه»]	۱۴ بیت
۶	[در بیان سلسله نسبت باطنیه حضرت ایشان (سرلوحه به زبان عربی)]	—
۷	بیان انتقال نسبت از جناب رسول اکرم (ص) به جناب صدیق اعظم (رض)	۸ بیت
۸	از آن جناب به جناب سلمان فارسی رضی الله عنه	۴ بیت
۹	" " امام قاسم [بن ابی بکر] رضی الله تعالی عنه	—
۱۰	" " امام جعفر صادق (رض)	—
۱۱	" " سلطان ابی یزید قدس سره	—
۱۲	" " ابی الحسن خرقانی قدس سره	—
۱۳	" " خواجه علی فارمدی قدس سره	—
۱۴	" " خواجه یوسف همدانی قدس سره	—
۱۵	" " خواجه عبدالخالق غجدوانی قدس سره	—
۱۶	" " خواجه عارف ریوگری قدس سره	—
۱۷	" " خواجه محمود انجیر فغنوی قدس سره	—
۱۸	" " خواجه علی رامتینی قدس سره	—
۱۹	" " خواجه محمد بابای سماسی قدس سره	—

ردیف	موضوع	تعداد ابیات
۲۰	" " سید امیر کلال قدس سره	.. -
۲۱	" " خواجه بهاءالدین نقشبند قدس سره	.. -
۲۲	" " خواجه محمد علاءالدین عطار قدس سره	.. -
۲۳	" " خواجه یعقوب چرخي قدس سره	.. -
۲۴	" " خواجه عبیدالله احرار قدس سره	.. -
۲۵	" " خواجه محمد زاهد قدس سره	.. -
۲۶	" " خواجه درویش قدس سره	.. -
۲۷	" " خواجه امکنگی قدس سره	.. -
۲۸	" " خواجه محمد باقی بالله قدس سره	.. -
۲۹	" " خواجه احمد فاروق امام ربانی قدس سره	.. -
۳۰	" " خواجه محمد سعید قدس سره	.. -
۳۱	" " خواجه عبدالاحد قدس سره	.. -
۳۲	" " خواجه محمد عابد قدس سره	.. -
۳۳	" " خواجه محمد موسی خان قدس سره	.. -
۳۴	" " خواجه محمد صدیق قدس سره	.. -
۳۵	" " مولانا حسین قدس سره	.. -
۳۶	" " مولانا میر محمد ابراهیم قدس سره	.. -
۳۷	" " قطب زمان حضرت ایشان سلمه الرحمن	.. -
۳۸	[قصیده] در مدح حضرت ایشان	۴۶ بیت
۳۹	از آن جناب به جناب فرزند عزیز خود [محبی الدین]	۱۲ بیت
۴۰	مناجات به جناب قدس عالم السر و الخفیات	۷ بیت
۴۱	حکایت	۲۹ بیت
۴۲	خاتمه تحریر در رجا دعا از جناب پیر روشن ضمیر	۱۱ بیت
۴۳	تاریخ تألیف	۳ بیت
	جمع ابیات	۴۶۵ بیت

۲-۲-۳. هنر شاعری وصلی

روزگاری که وصلی در آن می‌زیست، روزگار تسلط سبک بیدل دهلوی(ف) ۱۳۳۱ق) در نظم و نثر در محیط ادبی ماوراءالنهر بود. وصلی نیز از این جریان بی‌تأثیر نبود. وی به دلیل شهرت در محیط‌های ادبی منطقه، حضوری چشمگیر در آن‌ها داشت. در بیاض تحفه خصلت، چاپ شده به سال ۱۹۱۴م در تاشکند، در کنار سه تن از شاعران شهرهای خجند، تاشکند و ترکستان؛ نام وصلی سمرقندی نیز به چشم می‌خورد(ر.ک: تحفه خصلت، ص ۵۹-۶۱). گویا این چهار شاعر به پیشنهاد گردآورنده بیاض، سید هیت‌الله خصلت، ذوق و توان خود را در زبان ازبکی در تفسیر بیت زیر از بیدل آزموده بودند:

کوشش بی‌دست‌وپایان از اثر نومیدنیست انتظار دام آخر می‌کشد نخجیر را

(غزلیات بیدل دهلوی، ص ۸۸)

با وجود این، از نظر مطالعات سبک‌شناسی و به ویژه از نگاه بسامدی، آثار فارسی وصلی، کمتر از سبک ویژه بیدل و عموماً سبک هندی تأثیر پذیرفته است. وصلی چه در آثار نثری و چه در آثار نظم‌ی‌اش، اغلب به دنبال تعلیم و آموزش بود، بنابراین کمتر مجال زورآزمایی را در میدان تتبع از بیدل یافته است. حتی از نگاه جوهره شعری نیز آن گونه که تجلی کاشغری(فوت پس از ۱۹۱۸م) از بزرگ‌ترین شاعران و ادیبان قرن نوزده و اوایل قرن بیست در مورد وصلی گفته است، توانایی ویژه‌ای ندارد و از این جهت شاعری است متوسط، که شعرش غث و ثمین بسیار دارد:

سحری، نغمه جنان آمد	از نسیمی که چون روان آمد..
وصلی است آنکه در سخن افزون	فخر لوح و قلم بدان آمد
آن که بر خوان طبع روشن او	صد تجلی‌اش میهمان آمد...
آسمان است خاطرش به مثل	فکر اغیار، ریسمان آمد..
اوست، برجیس آسمان سخن	نامه‌اش، طرفه طیلسان آمد...

(ارمغان دوستان، ص ۲۱۵-۲۶۱)

حق با شاعر، تذکره‌نویس و شعرشناس بخارا، حشمت، است که نخستین بار در تذکره‌الشعرای خود این گونه نوشته بود: «... در بین جماعه، ممتاز در فهم بوده است... اشعارش به رتبه توسط می‌باشد...» (تذکره‌الشعرا، ص ۱۰۱ b). عینی (ف ۱۹۵۴م) نیز در نمونه ادبیات تاجیک درباره سبک شاعری و صلی و تأثیر وی از بیدل سخنی نگفته است (ر.ک: نمونه ادبیات تاجیک، ص ۵۰۷-۵۰۹). در دو دیوان فارسی و صلی و نظم السلسله نیز اگر ما از موارد بسیار استثنایی عناصر سبک هندی چشم‌پوشی کنیم؛ و صلی را باید از پیروان سبک ساده‌گویی و ساده نویسی اوایل قرن بیست ماوراءالنهر به شمار آوریم. سبکی که در خدمت معارف پروری بود و از فضل فروشی‌ها و پیچیده‌گویی‌های بیدلی به دور. و صلی در اصل الاحکام، اساس الاسلام، نظم السلسله، عبادات اسلامی، مدنیت و وظایف مع شریعت اسلامی، و حجاب الواجب، به قدری ساده سخن گفته و شعر سروده است که خواننده عادی هم در فهم آن‌ها به هیچ مشکلی دچار نمی‌شود؛ حتی سبک و صلی در عبادات اسلامی - که تمام کتاب اعراب گذاری شده است - از نرم سبک ساده ایران زمان مشروطه و اواخر قاجاریه هم خارج شده و از نخستین نمونه‌های سبک فارسی تاجیکی در بخارا است؛ شیوه‌ای که بعدها نویسندگان بخارایی از جمله فطرت (مقت. ۱۹۳۸م) و عینی آن را در آثار خود با جدیت پی‌گیری کردند. سبک و صلی از این جهت نیز در خور توجه است. به هر حال، زبان و صلی صرف نظر از سستی‌هایی آن که بسامدشان در نظم السلسله کم نیست، زبانی نزدیک به مخاطب است؛ با عناصری از زبان بومی تاجیکی و شمار چشمگیری از لغات ازبکی (ر.ک: ارمغان دوستان، ص ۳۰، ۳۴، ۷۹ و ۸۹).

۳-۳. نقد محتوا

۳-۳-۱. سرچشمه عواطف و صلی؛ سیری در جهان بینی شاعر و اندیشه‌های اصلاح طلبانه وی و صلی بنابر تصریح خود در دیوان فارسی‌اش از سادات ماوراءالنهر است:

اگرچه سیدم؛ اما شدم غلامِ درت که از غلامی ات عیشم مدام می گیرد
(همان، ص ۲۶)

و آن گونه که از رسالهٔ اساس/اسلام برمی آید، حنفی مذهب و از نظر مذهب کلامی، پیرو «ماتریدی‌ها» است؛ مذهب کلامی‌ای که ابومنصور محمد بن محمود الحنفی سمرقندی (ف ۳۳۳ ق) پایه‌گذار آن در ماوراءالنهر بود: «س: ما اهل ماوراءالنهر از کدام طایفه‌ایم؟ ج: از طایفهٔ ماترید که نسبت داریم به شیخ ابی منصور ماتریدی که امام و پیشوای ما همان کس اند.» (اساس الاسلام، ص ۱۰ و ۲۴) با اینکه محققان، ماتریدی‌ها را از سنت‌گرایان سرسخت به شمار می‌آورند، و صلی از چهره‌های مشهور جریان روشنفکری در بخارا و سمرقند در سال‌های بیداری این منطقه بود و نظریات فقهی این متفکر دربارهٔ وحدت مذاهب و لزوم اتحاد آن‌ها در برابر دشمنان اسلام، از پیشروترین نظریات فقهی قرن بیست در ماوراءالنهر است. وی در پایان کتاب عبادات/اسلامیه که آن را از تاتاری به فارسی ترجمه کرده است؛ ذیل سؤالی در زمینهٔ مذهب شیعه و ایمان آن‌ها، عقیده‌ای کاملاً مدرن بیان کرده است که ما مشابه آن را در قرن بیست و یکم هم، در بسیاری از نقاط جهان اسلام نمی‌توانیم بشنویم: «س: مسلمانان شیعهٔ امامیان که به مذهب حضرت امام جعفرایم می‌گویند، چگونه است؟ ج: حضرت امام جعفر صادق بن امام زین العابدین بن امام حسین بن حضرت علی المرتضی کرم الله وجهه‌اند. . . آن ذات بسیار عالم و از اعظم اهل بیت رسول‌اند. . . برادران شیعهٔ امامیان، به مذهب همان کس عمل می‌کنند. اگر مذهب صحیح جعفری را تحقیق کرده شود، حکم‌ها و عمل‌ها [ای] آن، بیرون از چهار مذهب نیست. «(عبادات اسلامیه، ص ۸۳-۸۴) اهمیت این نظریه، وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم از زمان تشکیل سلسله صفویه در ایران و شیعیان در ماوراءالنهر در قرن دهم قمری، شعلهٔ خانمان‌برانداز چه جنگ‌های دهشتناکی بر سر مسائل مذهبی بین دو طرف در نگرفت و چه خون‌هایی از دو سو بر زمین ریخته نشد. حتی در گزارشی که عینی در کتاب تاریخ/انقلاب فکری در بخارا ذیل عنوان

«فتنه شیعه و سنی» در دهم ماه محرم ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م آورده است، از درگیری شدید و خونین شیعیان و اهل سنت بخارا سخن رفته و در آن علاوه بر کشته شدن پنجاه بی گناه عمدتاً شیعه - که به زعم مخالفان کافرند - صدها نفر نیز زخمی شده‌اند (ر.ک: تاریخ انقلاب فکری در بخارا، ص ۴۵-۵۳؛ صدر ضیاء، ص ۷۷).

اما اندیشه‌های اصلاح‌گرانه و صلی علاوه بر آن که در اشعار عمدتاً ترکی شاعر در دیوان تحفه الاحباب (۱۹۱۲م)، و ادب‌الدین (۱۹۱۰م، ۱۹۱۱م) گرد آمده است و ما نمونه‌های فارسی آن را در روزنامه‌های ازبکی تجددگرایان تاشکند از جمله ترقی نیز می‌بینیم؛ (ر.ک: روزنامه ترقی، ص ۴) در اشعار ترکی مندرج در دیوان فارسی و صلی نیز مشاهده می‌شوند. این اندیشه‌ها وقتی در کنار اشعار فارسی شاعر قرار می‌گیرند و در قالب شکایت از روزگار و بیان تأثیر مخرب اجنبی (روسیه) بر فرهنگ و آداب بومی و اسلامی مردم سمرقند جلوه می‌کنند؛ خواننده را از عمق دردهای واقعی مردمان این منطقه از زبان روشنفکری چون و صلی آگاه می‌کنند. این که ملت اسلام به سبب اختلاف شیعه و سنی و تفرقه رنج می‌برد و وضع مدارس، مکاتب و تربیت اطفال آن اندوهبار است، ولی در مقابل، اروپا در مسیر پیشرفت حرکت می‌کند و به دنبال علم است؛ قلب شاعر روشنفکر را به درد می‌آورد:

شیعه من، سن سنی دیب، زینهار! قیلمانگیز خلاف

دین اسلام اهلی سیز، ایلانگ بیان اتفاق

(ارمغان دوستان، ص ۱۶۶)

در کنار تمام این اندیشه‌ها، دیوان فارسی شاعر به ویژه قطعات و قصاید آن، پر از «در ستایش جنابعالی [امیر] و تضمین اشعار فارسی» شاه شاعر، امیرعبدالاحدخان (ف ۱۹۱۰م) است که با تخلّص عاجز شعر می‌سرود (ر.ک: ارمغان دوستان، ص ۵۸، ۶۹، ۷۹، ۱۰۵، ۱۲۴ و...). ما این گونه اشعار را باید به حساب شرایط حاکم بر روزگار و صلی بگذاریم؛ روزگاری که شاه‌پرستی و

امیر دوستی بخشی از جهان بینی غالب شاعران و ادیبان آن روزگار بود. به هر حال، دامن عاطفه این شاعر روشنفکر در بخشی از زندگی اش در سال های جوانی، به ویژه زمانی که شاعر از خوان نعمت خان بخارا بهره مند می شد؛ آلوده بود و این امر به شاعر اجازه می داد به رغم تمام بدبختی هایی که از جانب این امیران به سر ملت می آمده، آن ها را شاه نازنین و سایه خداوند خطاب کند و سخنشان را شاه سخن ها بداند:

وصلی! سخن شاه بود، شاه سخن ها زان غیر دعا، پیشه گفتار ندارم

(ارمغان دوستان، ص ۷۴)

با این حال، نه در مقدمه و نه در مؤخره کتاب *نظم السلسله*، اشاره ای به مسائل اجتماعی و سیاسی روزگار وصلی و احوال آخرین امیر بخارا، امیر عالم خان (حک. ۱۹۱۰-۱۹۲۰م) دیده نمی شود؛ هرچه هست سیر در عوالم روحی و معنوی اولیایی است که با قلب پاک در مسیر لقاء الله گام نهاده اند و وصلی نیز پاک بازانه و از روی اخلاص مرید یکی از اینان است؛ قطب زمان، ایشان ولی خان اورگوتی:

این زمان این گونه رهبر، مغتنم یک غلام حلقه بر گوشش منم
هست بر سر، سایه فیض آیه اش از سر ما کم مبادا سایه اش

(نظم السلسله، ص ۳۴)

۲-۳-۳ ارزش عرفانی و اجتماعی نظم السلسله

نظم السلسله آخرین اثر عرفانی در نوع خود به شمار می رود. در این اثر، نسب نامه معنوی یکی از شاخه های طریقت نقشبندیه در ماوراءالنهر از ایشان ولی خان اورگوتی تا بهاء الدین محمد نقشبند (۷۱۸-۷۹۱ق/ ۱۳۱۸-۱۳۸۹م) و از وی تا پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. با این اثر پی گیری سلسله معنوی یکی از طریقت های عرفانی شایع در ماوراءالنهر میسر شده است. بنابر بر نقل وصلی، ایشان ولی خان با بنای خانقاهی در شهرک اورگوت در حدود ۴۴ کیلومتری

جنوب شرقی سمرقند، خیل عظیمی از مریدان و علاقه‌مندان تعالیم نقشبندیه را از سراسر ماوراءالنهر در این شهر گرد هم آورده بود (ر.ک: تحفه الاحباب، ص ۳۴). ارزش این کتاب وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم حمله به عقاید عرفانی و مذهبی در ماوراءالنهر از سوی روشنفکران تجددگرا در همین سال‌ها شروع شده بود و بعدها در زمان شوروی، یک سره به دشمنی با آن تبدیل شد. عبدالرئوف فطرت در اثر خود «بیانات سیاح هندی» که آن را درست در سال تألیف نظم/السلسله؛ یعنی در سال ۱۳۳۰ ق در استانبول به چاپ رسانده، به شدت به میراث بهاءالدین و اعتقاد عمیق مردم به وی، به دیده تردید نگریسته و به آن تاخته است: «... امروز در تمام بخارا کسی نیست که مردم به جای «یا الله»، «یا بهاءالدین!» نگویند... ما حضرت بهاءالدین را دوست می‌داریم، احترام می‌کنیم، به زیارتش می‌آییم، لیکن نباید این دوست داشتن، احترام کردن، زیارت نمودن ما، از حدود شرعی بیرون آمده، ما را به بهاءالدین پرستی رساند. ..» (بیانات سیاح هندی، ص ۱۸).

پای‌بندی وصلی به اعتقادات مذهبی و دینی به رغم طرفداری از جریان روشنفکری آن دوران که در نهایت اغلب آن‌ها به دامان بی‌دینی لغزیدند، از ارزش‌های این اثر حکایت می‌کند؛ امری که در زمان شوروی به دلیل مبارزه با دین و خرافات به شدت با آن برخورد شد و هزاران نفر به سبب حمایت از آن به زندان افتادند و یا تبعید شدند. تبیین نقش این مکاتب در روزگاری که سلاطین، امیران و خان‌های حاکم بر منطقه، شاعران و ادیبان و عموماً تمام طبقات مردم با افتخار سر بر آستان پیران طریقت نهاده، زانوی ادب در برابر عظمت معنوی آنان می‌زدند، توضیح واضح‌تر است؛ اما توجه به نقش این مکاتب و جنبش‌های عرفانی و اجتماعی در دوره تسلط روسیه تزاری از نخستین سال‌های ورود ارتش تزار به این منطقه در قرن نوزدهم میلادی و پس از آن در دوران حاکمیت بی‌چون و چرای حزب کمونیست در دوران شوراهای (۱۹۱۷ -

۱۹۹۱م) که دین‌ستیزی، روی دوم سکه بومی‌ستیزی فرهنگ مسلط به شمار می‌رفت، امری ضروری به نظر می‌رسد.

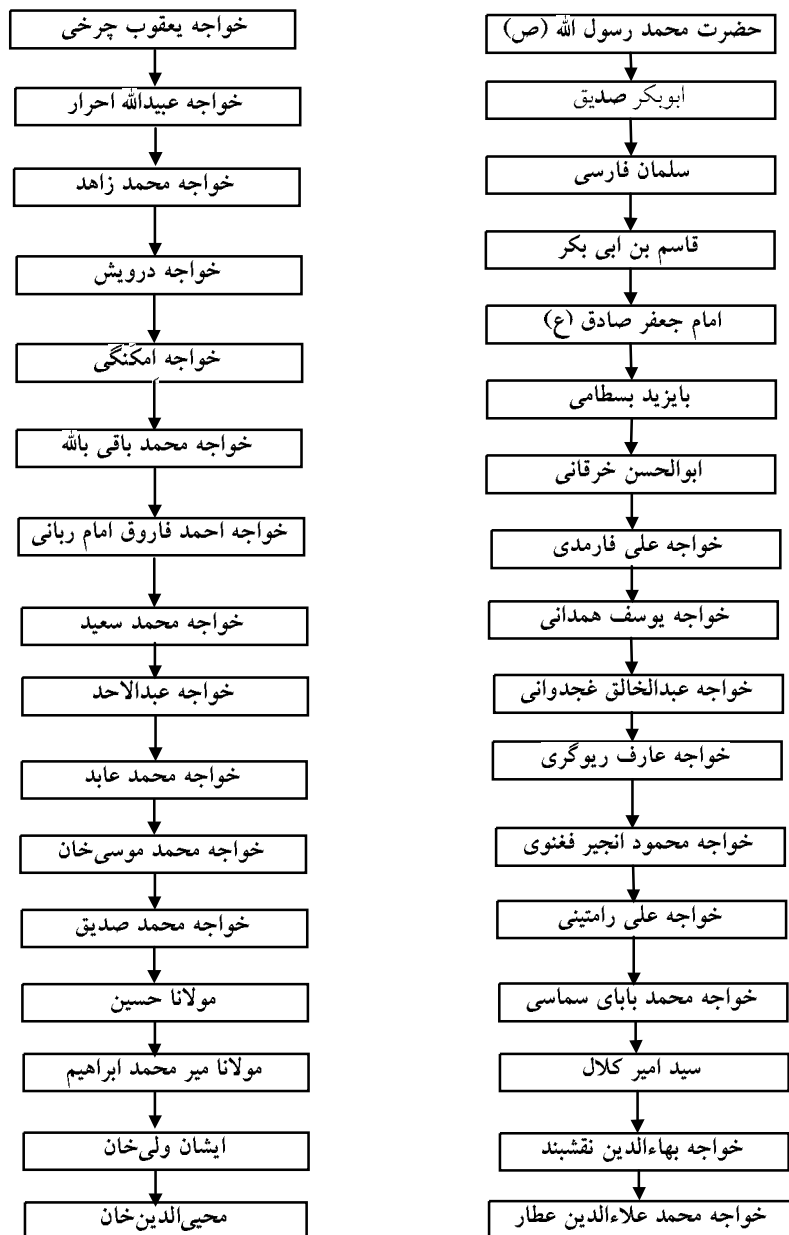
۳-۳-۳. ارزش ادبی و تاریخی نظم/السلسله

نظم/السلسله یکی از آثار تألیف شده وصلی به زبان فارسی است. این کتاب در شناخت چهره عرفانی وصلی بسیار مهم است؛ زیرا به دلیل رویکرد تعلیمی و آموزشی وصلی در تألیف و ترجمه آثار، حتی حضور عناصر عرفانی در دیوان فارسی وصلی بسیار کم رنگ است. به گونه‌ای که وصلی در تمام قوالب ارمغان دوستان فقط یک بار از بهاءالدین نقشبند و خواجه احرار ولی سخن به میان آورده است، در بقیه موارد اگر سخنی از عوالم معنوی می‌رود، مربوط به عرفان عام است (ر.ک: ارمغان دوستان، ص ۱۴۹). بنابراین، این کتاب در معرفی و شناخت عرفان وصلی از اهمیت استثنایی برخوردار است.

نتیجه

مثنوی نظم/السلسله اثر سید احمد وصلی از آخرین نسب‌نامه‌های معنوی مشایخ نقشبندیه در ماوراءالنهر است که تاکنون در ایران و تاجیکستان کاملاً ناشناخته بود. حتی نام این کتاب نیز به عنوان یک اثر عرفانی وصلی در این منابع نیامده بود. این کتاب هم از جهت بررسی شخصیت عرفانی وصلی، و هم از جهت بررسی تاریخ تصوف در ماوراءالنهر قرن بیست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ ضمن آن که زبان این کتاب از جهت بررسی تاریخ ادبیات فارسی در ماوراءالنهر اهمیت کمتری نسبت به موارد یاد شده ندارد. در این مقاله، برای نخستین بار در مطالعات ماوراءالنهرپژوهی، با اشاره اجمالی به زندگی و آثار وصلی سمرقندی، یکی از آثار مهم عرفانی این شاعر اندیشمند، نقد و بررسی شد.

◀ نسب‌نامه معنوی ایشان ولی‌خان اورگوتی



* منابع :

- /رمغان دوستان؛ سید احمد وصلی سمرقندی، دیوان فارسی، دیموروف، سمرقند ۱۹۰۹م. (چاپ سنگی)
- /از ساقه تا صدر، سیدعلی موسوی گرمارودی، قدیانی، تهران ۱۳۸۴.
- /از سمرقند چو قند؛ ابراهیم خدایار، اشاره، تهران، ۱۳۸۴.
- /اساسر الاسلام؛ سید احمد وصلی سمرقندی، عارف جان اف، سمرقند ۱۹۰۴م. (چاپ سنگی)
- /افضل التذکار فی ذکر الشعراء و الاشعار؛ افضل مخدوم پیرمستی، مطبعة غلامیه، تاشکند ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۸م. (چاپ سنگی، در حاشیه باغ ارم)
- /بیانات سیاح هندی؛ عبدالرئوف فطرت، مطبعة اسلامیة حکمت، استانبول ۱۳۳۰ ق.
- /تاریخ انقلاب فکری در بخارا؛ صدرالدین عینی، با مقدمه کمال عینی، سروش، تهران ۱۳۸۱
- /تاریخ جدید ازبکستان، ترکستان در دوران استیلای روسیه تزاری، ج صادق اف و دیگران، ج ۲، شرق، تاشکند ۲۰۰۰م. (ازبکی)
- /تحفه الاحباب؛ دیوان ترکی، سید احمد وصلی سمرقندی، پورصوف، تاشکند ۱۹۱۳م. (چاپ سنگی)
- /تحفه خصلت؛ سید هیبت الله خصلت، به اهتمام عرفان آتاجان، نور، ۱۹۹ تاشکند ۲م. (ازبکی - فارسی)
- /تذکار اشعار؛ محمد شریف جان مخدوم صدرضیاء، به کوشش محمدجان شکوری بخارایی، سروش، تهران ۱۳۸۰.
- /تذکره الشعراء؛ محمد صدیق توره حشمت، نسخه خطی شماره ۲۷۲۹، مخزن نسخ خطی ابوریحان بیرونی ازبکستان، تاشکند، سال تألیف بعد از ۱۹۰۴م ؟
- /خراسان است اینجا؛ محمدجان شکوری، دفتر نشر فرهنگ نیاکان، دوشنبه ۱۹۹۶م.
- /تذکره الشعراء؛ محترم؛ حاجی نعمت الله محترم، با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا، دانش، دوشنبه ۱۹۷۵م.
- /دانشنامه ادب فارسی در آسیای میانه؛ حسن انوشه [به سرپرستی]، ج ۱، ویراست دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۰.
- /دایره المعارف ادبیات و صنعت [هنر] تاجیک؛ ا. عزیز قلااف [سر محرر]، ج ۲، دانشنامه تاجیک، دوشنبه ۱۹۸۸-۱۹۸۹م. (به زبان تاجیکی و خط سریلیک)
- /دایره المعارف جمهوری ازبکستان؛ مراد جان امین اف و دیگران؛ [تک جلدی]، مرکز دایره المعارف ها، تاشکند ۱۹۹۷م. (ازبکی)
- /دایره المعارف شوروی تاجیک؛ محمد عاصمی، [سر محرر]، ج ۱، دانشنامه شوروی تاجیک، دوشنبه ۱۹۷۸م. (به زبان تاجیکی و خط سریلیک)

* این فهرست، شامل تمام منابعی است که به زبان های فارسی، فارسی فرارودی [تاجیکی] و ازبکی [با الفبای سریلیک] و به شیوه چاپی، چاپ سنگی به طبع رسیده اند. نسخ خطی و روزنامه ها نیز در این فهرست گنجانده شده اند.

- سخنوران صیقل روی زمین؛ توره‌قل ذهنی و صدرالدین سعدی‌اف، عرفان، دوشنبه ۱۹۷۳م. (به زبان تاجیکی و خط سریلیک)
- سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی؛ کلیفورد ادموند باسورث، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران ۱۳۸۱.
- صدرضیاء؛ محمدجان شکوروف، به اهتمام صفا اخوان، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۰.
- عبادات اسلامی؛ احمد هادی مقصودی، ترجمه [ازبکی از زبان تاتاری] سید احمد وصلی، یولدوز، قازان ۱۹۱۳م. (چاپ سنگی)
- غزلیات بیدل دهلوی؛ بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، با تصحیح اکبر بهداروند، پیک، تهران ۱۳۸۰.
- فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان؛ موجانی، سیدعلی، و امریزدان علی مردان؛ ج ۱، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۶.
- فوائدالمبسوطه فی حل عقاید غیر المنقطوطه؛ سید احمد وصلی سمرقندی، عارف جان اف، سمرقند ۱۳۲۵ق. (چاپ سنگی، عربی)
- «فی بیان الحق و اظهار النفع المطلق»، قصیده در تعریف روزنامه ترقی؛ سید احمد وصلی سمرقندی، ترقی، ۸ جمادی الثانی ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م.
- گلشن ادب، نمونه‌های نظم تاجیک؛ اعلاخان افصح زاد و دیگران، عصر ۱۸ ابتدای عصر، ۲۰، ج ۵، دوشنبه، عرفان، ۱۹۸۰م. (به زبانی تاجیکی و خط سریلیک)
- گنج زرافشان؛ امیریگ حبیب اف، ادیب، دوشنبه ۱۹۹۱م. (به زبان تاجیکی و خط سریلیک)
- نظم/سلسله؛ سید احمد وصلی سمرقندی، با مقدمه آکادمیک باتر ولی خواجه‌یف، ترجمه [به ازبکی] و سخن پایانی بدیعه محیی‌الدین اوا، ینگه عصر اولاد، تاشکند ۲۰۰۱م. (به خط سریلیک تاجیکی و ازبکی)
- نظم/سلسله؛ سید احمد وصلی سمرقندی، سمرقند، [؟]، ۱۹۱۳م. (چاپ سنگی)
- نمونه ادبیات تاجیک؛ صدرالدین عینی، نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی، مسکو ۱۹۲۶م.
- یادداشت‌ها؛ صدرالدین عینی، به کوشش سعیدی سیرجانی، آگاه، تهران ۱۳۶۲.
- یاد یار مهربان؛ میرزا ملا احمدوف، توس، تهران ۱۳۸۰.